

دیپلماسی نخبگانی

در

جنگ

- چه مسیری برای آینده
آتش‌بس فعلی ترسیم
می‌کنید؟

- ارزیابی شما از عملکرد
دو طرف در درگیری اخیر،
چیست؟

اختصاصی



در پی جنگ اخیر میان ایران و اسرائیل، چشم‌انداز ژئوپلیتیکی خاورمیانه همچنان شکننده و ناپایدار باقی مانده است. در حالی که دو طرف در حال مدیریت پیامدهای تقابل نظامی خود هستند، پرسش‌هایی درباره‌ی پایداری آتش‌بس کنونی و پیامدهای این جنگ کوتاه، اما شدید، مطرح است. در این بررسی، به سراغ کارشناسان بین‌المللی خود رفته‌ایم تا دیدگاه‌هایی روشن درباره‌ی این مسائل ارائه دهند. در این نوشته بررسی می‌کنیم که: آیا با وجود تنش‌های پنهان، احتمال پایداری آتش‌بس وجود دارد؟ و کدام طرف در این تقابل پیچیده دست بالا را داشته است؟ با ما همراه باشید تا با کمک کارشناسان خود به بررسی ابعاد مختلف این درگیری و پیامدهای بالقوه آن برای ثبات منطقه‌ای بپردازیم.



جین لیانگ ژیانگ

مؤسسه مطالعات بین‌المللی شانگهای (SIIS)



درباره او

جین لیانگ شیانگ، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات آسیای غربی و آفریقا و دانشیار مؤسسه مطالعات راهبردی بین‌المللی در مؤسسه مطالعات بین‌المللی شانگهای (SIIS) است.

او متخصص روابط بین‌الملل در منطقه خاورمیانه، به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی و تحولات داخلی ایران است. او همچنین در زمینه روابط بین دولت‌های همسایه چین پژوهش‌هایی انجام داده است. لیانگ ژیانگ تاکنون به بیش از ۲۰ کشور و منطقه مختلف سفر کرده است که بیشتر آن‌ها کشورهای خاورمیانه یا همسایگان چین هستند. او از مهمانان مکرر مؤسسات علمی و کنفرانس‌های معتبر بین‌المللی است و به‌عنوان پژوهشگر مدعو در مؤسساتی چون انستیتو ترومن برای پیشبرد صلح (۲۰۰۲-۲۰۰۳)، بنیاد فردریش ابرت در نیویورک (۲۰۰۶)، مؤسسه بیکر (۲۰۱۱) و مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی آمریکا (CSIS) در سال ۲۰۱۳ حضور داشته است.

قطعاً عملکرد ایران بهتر از اسرائیل بود؛

با اینکه اسرائیل خسارات چشمگیری به ایران وارد کرد، چندین فرمانده ارشد ایرانی ترور شدند و بخشی از زیرساخت‌های نظامی و حتی برخی تأسیسات غیرنظامی آسیب دیدند. یکی از دلایل اصلی موفقیت اسرائیل در این حملات، بی‌توجهی آن به اصول پایه‌ای اخلاق انسانی بود. آن‌ها حملات خود را به صورت پیش‌دستانه در حالی انجام دادند که هنوز مذاکرات در جریان بود. آن‌ها پیش‌تر تجهیزات ارتباطی را منفجر کرده بودند. اسرائیل تنها موجودیت [سیاسی] در جهان است که ترور را به‌عنوان یک راهبرد ملی به کار گرفته است. در این مسیر، فریب‌های شرم‌آوری نیز صورت گرفت.

اما پاسخ متقابل ایران بسیار چشمگیر بود. این نخستین بار از سال ۱۹۴۸ بود که اسرائیل هدف موشک‌هایی قرار گرفت که از کشوری بدون مرز مشترک با آن شلیک شده بودند. سامانه دفاعی اسرائیل پیش از بارش موشک‌های ایران، ناکارآمد شده بود. با توجه به سیاست اسرائیل در پنهان‌سازی ابعاد خسارات، میزان دقیق آسیب‌ها برای جهانیان روشن نیست. با این حال، مشخص شده که برخی تأسیسات نظامی و پالایشگاه‌های نفتی اسرائیل به شدت آسیب دیده‌اند و تلفات انسانی نیز وجود داشته است.

رسیدن به این موفقیت برای ایران آسان نبود. ایران توانست به سرعت جای خالی فرماندهان شهیدش را پر کند و همان روز عملیات تلافی‌جویانه را آغاز کند، که نشان‌دهنده کارآمدی و انسجام نظام سیاسی ایران است. نخبگان حاکم نیز وفاداری خود را به ساختار نظامی سیاسی کشور نشان دادند.

ایران کشوری بزرگ است، با سرزمینی حدود ۱۰۰ برابر اسرائیل و جمعیتی ده برابر آن. اگر جنگ سه تا پنج روز دیگر ادامه پیدا می‌کرد، پیروزی ایران می‌توانست حتی بزرگ‌تر باشد؛ چراکه ایران از نظر تحمل‌پذیری و تاب‌آوری، بسیار قدرتمندتر از اسرائیل است. هیچ‌یک از سه طرف خواهان ادامه جنگ نیستند؛ اما نتانیاهو در داخل اسرائیل با مشکلاتی سیاسی مواجه است و ترامپ نیز قابل‌پیش‌بینی نیست. بنابراین، گرچه می‌توان به آتش‌بس امید داشت، وضعیت همچنان شکننده است.

رابعه اختر

مرکز پژوهش‌های امنیتی، راهبردی و سیاست‌گذاری هند (CSSPR)



درباره او

رابعه اختر پژوهشگر ارشد غیرمقیم مرکز آسیای جنوبی شورای آتلانتیک و مدیر مرکز مطالعات امنیت، راهبرد و سیاست‌گذاری در دانشگاه لاهور است. او همچنین مدیر مدرسه علوم اجتماعی در همان دانشگاه است. اختر دکترای خود را در رشته مطالعات امنیتی از دانشگاه ایالتی کانزاس گرفته و از دانش‌آموختگان برنامه فولبرایت (۲۰۱۵-۲۰۱۰) است. او مدرک کارشناسی ارشد خود را در روابط بین‌الملل از دانشگاه قانداغ اسلام‌آباد و در علوم سیاسی از دانشگاه ایالتی ایلینوی شرقی دریافت کرده است.

اختر سردبیر مجله Pakistan Politico، نخستین نشریه راهبردی سیاست خارجی پاکستان است. او همچنین عضوی از شورای مشورتی نخست‌وزیر در امور خارجی نیز هست.

به نظر من عملکرد نظامی و راهبردی ایران در درگیری اخیر، ترکیبی پیچیده از توانمندی، خویشتن‌داری و ارسال پیام‌های حساب‌شده بود.

تهران نشان داد که توانایی هماهنگ‌سازی واکنش‌های چندلایه را دارد (از شبکه‌های نیابتی گرفته تا موشک‌های بالستیک و پهپادها)؛ در حالی که با دقت سطح تنش را تنظیم کرد تا از ورود به جنگ تمام‌عیار با اسرائیل یا آمریکا پرهیز شود. به باور من، این نشان‌دهنده دکترین فزاینده منسجمی از بازدارندگی نامتقارن است که هدف آن حفظ نفوذ منطقه‌ای است؛ در وضعیتی که همچنان امکان انکارپذیری عقلانی وجود داشته باشد.

با این حال، این رویارویی، آسیب‌پذیری‌های مهمی را در پدافند هوایی ایران و همچنین محدودیت‌های آن در جذب ضربات دقیق نمایان ساخت. به لحاظ راهبردی، ایران سعی کرد بازدارندگی را از سطح گفتاری به سطح عملیاتی منتقل کند؛ بی آن‌که از آستانه‌هایی عبور کند که ممکن بود بقای نظام را به خطر اندازد. با این حال، امکان تداوم این نوع ابهام حساب‌شده در بحران‌های آینده هنوز محل تردید است.

اگر آتش بس شکست بخورد، خطر نه تنها از سرگیری درگیری، بلکه عادی‌سازی تبادل موشکی به عنوان ابزاری در سیاست دولتی خواهد بود. مهم‌تر آن‌که، ممکن است ایران واکنش خود را در قالب نزدیک‌تر شدن به آستانه توان هسته‌ای نشان دهد. شاید این روند با تسلیح علنی همراه نباشد؛ اما می‌تواند با کاهش زمان گریز هسته‌ای، نوعی بیمه در برابر تهدیدات آتی ایجاد کند. این امر قطعاً نگرانی‌ها در زمینه اشاعه تسلیحات را تشدید می‌کند و فشار بی‌سابقه‌ای بر رژیم جهانی منع اشاعه وارد خواهد کرد.

هارشیت شارما

مرکز نت سترات (NatStrat)



درباره او

هارشیت شارما، همکار پژوهشی در مؤسسه NatStrat است. علایق تحقیقاتی او به طور کلی، شامل آسیای غربی و جهان اسلام می شود. او کارشناسی ارشد خود را در رشته دیپلماسی، حقوق و تجارت از مدرسه بین المللی جندال (دانشگاه O.P. Jindal) گذراند و پیشتر مدرک کارشناسی اش را نیز در رشته تاریخ (با درجه ممتاز) از دانشگاه دهلی دریافت کرده بود. شارما هم اکنون مشغول یادگیری زبان فارسی در خانه فرهنگ ایران است.

در جریان جنگ ۱۲ روزه اخیر که با حمله اسرائیل به ایران آغاز شد و سپس ایالات متحده نیز به آن پیوست، جهان شاهد یک تبادل بی سابقه از حملات هوایی مستقیم میان ایران و اسرائیل بود.

ایران با به کارگیری موشک های بالستیک پیشرفته ساخت خود، توانست بازدارندگی معتبری را به نمایش بگذارد؛ موشک هایی که حتی سامانه های پدافندی پیشرفته اسرائیل را نیز به چالش کشیدند.

با این حال، میزان تخریب کمتر از حد انتظار بود؛ عمدتاً به دلیل آمادگی بالای اسرائیل در پی حملات قبلی ایران در آوریل و اکتبر ۲۰۲۴ که با موشک و پهپاد صورت گرفت. نکته قابل توجه آن بود که ایران خویشتن داری چشمگیری نشان داد و از به کارگیری کامل ظرفیت های نظامی خود خودداری کرد.

یکی از مهم ترین درس هایی که برای ایران حاصل شد، نیاز فوری به تقویت موقعیت دفاعی اش بود؛ هم از طریق پیشرفت های داخلی، هم از مسیر تعمیق روابط با کشورهای نظیر روسیه.

یکی از موفقیت های تهران در این بحران، توانایی آن در بسیج حمایت داخلی و جلوگیری از ناآرامی درون کشور از طریق ایجاد وحدت ملی در برابر تهدید خارجی بود. در مقابل، جریان تندرو در اسرائیل اکنون به اتخاذ «مدل حزب الله» تمایل یافته است؛ یعنی ادامه حملات حتی باوجود آتش بس.

اگر این رویکرد غالب شود، احتمال دارد ایران نیز پاسخ های بی محابتری بدهد، هماهنگی منطقه ای بیشتری علیه اسرائیل و آمریکا ایجاد کند، و حتی روند غنی سازی هسته ای خود را با سرعت بیشتری به عنوان ابزار بازدارندگی، پیش ببرد.

علی راست‌بین

آکادمی ژئوپلیتیک پاریس



درباره او

علی راست‌بین کارشناس مسائل ژئوپلیتیک، ایران، و مسائل راهبردی و انرژی در خاورمیانه است. او بنیان‌گذار و رئیس آکادمی ژئوپلیتیک پاریس و مدیر انتشارات نشریه ژئواستراتژیک است. راست‌بین همچنین ریاست دانشگاه هورایزن، نهادی آموزشی در مقطع عالی، را نیز بر عهده دارد. او نویسنده کتاب‌ها و مقالات متعدد در زمینه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی است و به‌طور منظم در کنفرانس‌های مرتبط با مهم‌ترین تحولات ژئوپلیتیکی معاصر شرکت می‌کند یا خود تدارک برگزاری آن‌ها را می‌بیند.

آتش‌بس کنونی میان ایران و اسرائیل به شدت شکننده باقی مانده است. این تنها یک آتش‌بس تاکتیکی است که بیشتر ناشی از نیاز به مهار گسترش درگیری در سطح منطقه‌ای است تا اراده واقعی برای حل تنش‌های ریشه‌دار.

تا زمانی که اختلافات کلیدی (مانند برنامه هسته‌ای ایران، راهبرد بازدارندگی اسرائیل، و رقابت‌های گسترده‌تر ژئوپلیتیکی) در چارچوبی معتبر برای کاهش تنش بررسی نشوند، خطر بازگشت به درگیری بسیار زیاد است. در مورد این که کدام طرف دست بالا را پیدا کرد، پاسخ بستگی به زاویه دید تحلیلی دارد. اسرائیل، با تکیه بر توانمندی‌های فناورانه ایالات متحده، برتری ظاهری نظامی خود را حفظ کرد؛ اما ایران نیز توانایی خود برای پاسخ‌گویی و تاب‌آوری را به نمایش گذاشت، جایگاهش را در «محور مقاومت» تثبیت کرد، و سرمایه نمادین خود را در افکار عمومی منطقه‌ای تقویت نمود.

بنابراین، هرچند مزیت تاکتیکی ممکن است در ظاهر به سود محور اسرائیل-آمریکا باشد؛ اما ایران می‌تواند ادعا کند که در این درگیری کوتاه‌مدت، ولی روشن‌گرانه، دستاوردهای راهبردی بلندمدتی به دست آورده است.

دیپیکا ساراسوات

مؤسسه مطالعات و تحلیل‌های دفاعی منهار پاریکار



درباره او

دیپیکا ساراسوات، پژوهشگر همکار در مرکز غرب آسیا، مؤسسه مطالعات و تحلیل‌های دفاعی منهار پاریکار، دهلی نو است. تحقیقات او بر سیاست خارجی ایران و تحولات ژئوپلیتیکی در غرب آسیا و اوراسیا تمرکز دارد. ساراسوات دارای مدرک دکترای جغرافیای سیاسی از دانشکده مطالعات بین‌الملل دانشگاه جواهر لعل نهرو است. او از مارس ۲۰۱۸ تا اکتبر ۲۰۲۱ پژوهشگر شورای امور جهانی هند بود. ساراسوات همچنین نویسنده کتاب بین بقا و وضعیت: ژئوپلیتیک ضد هژمونیک ایران (ICWA & Macmillan, ۲۰۲۲) است.

حمله غافلگیرانه اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای و نظامی ایران و هدف قرار دادن افسران ارشد نظامی آن، این موضوع را برجسته کرد که حملات موشکی تلگرافی ایران در آوریل و اکتبر ۲۰۲۴ نتوانسته است بازدارندگی‌اش را تقویت کند.

تهدید دخالت مستقیم ایالات متحده به نفع اسرائیل، گزینه‌های نظامی ایران در مقابل اسرائیل را محدود کرده است؛ در حالی که اسرائیل، با اطمینان از حمایت ایالات متحده، از اطلاعات برتر و قابلیت‌های تکنولوژیکی خود برای تشدید تنش علیه ایران استفاده می‌کند و ایران را در حالت دفاعی قرار داده است.

باوجود شوک اولیه، ایران فرماندهی نظامی خود را بازبایی کرد و دست به انتخاب پاسخی سنجیده و غیرتشدیدکننده علیه اسرائیل زد. نیروهای ایرانی همچنین تا حدودی توانایی ارائه پاسخ متقارن را نشان دادند که به نظر می‌رسد باهدف کنترل تنش باشد. پس از آن که اسرائیل میدان گازی پارس جنوبی را هدف قرار داد، ایران به پایگاه حیفا حمله کرد. با این حال، ایالات متحده باهدف تحت کنترل درآوردن درگیری، وارد میدان شد. تمایل این کشور به حملات حساب شده محدود به تأسیسات هسته‌ای ایران و به دنبال آن، پیشنهادهایی برای کاهش تنش، ایران را به سمت انتخاب یک پاسخ بیشتر نمادین سوق داد. ایران مدت‌ها اعلام کرده بود که حمله به سایت‌های هسته‌ای‌اش، پاسخ شدیدی مانند بستن تنگه هرمز یا حمله به پایگاه‌های ایالات متحده در کشورهای خلیج فارس را به دنبال خواهد داشت؛ اما اولویت‌های تهران با ضرورت بقای کشور و حفظ روابط با همسایگانش تعیین می‌شد.

ادلان مارگوف

مؤسسه دولتی روابط بین الملل مسکو



درباره او

ادلان مارگوف یک کارشناس اهل روسیه در امور ایران و موضوع عدم اشاعه هسته‌ای است. او دانشجوی دکتری و پژوهشگر همکار مؤسسه دولتی روابط بین الملل مسکو (دانشگاه MGIMO) است. پس از فارغ التحصیلی از برنامه دو مدرک کارشناسی ارشد در زمینه عدم اشاعه و مطالعات تروریسم که به وسیله دانشگاه MGIMO و مؤسسه مطالعات بین المللی میدلبری در مانتری تأسیس شده بود، او برنامه روسیه و عدم اشاعه هسته‌ای را مدیریت و راهنما کنترل هسته‌ای را در سازمان غیردولتی روسی PIR Center ویرایش کرد. او عضو بخش جوانان کمیته پانگ‌واش روسیه و وابسته به آکادمی مذاکره برای کنترل تسلیحات است.

تأسیسات هسته‌ای ایران به میزان زیادی آسیب دیده‌اند؛ اما ایران هنوز دارای ظرفیت هسته‌ای است.

با وجود این واقعیت که ناظران خارجی نمی‌توانند وضعیت زیرزمینی را به طور دقیق ارزیابی کنند، به نظر می‌رسد ایران می‌تواند بخش عمده‌ای از ظرفیت غنی‌سازی خود را ظرف چند ماه احیا کند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران را برای شفاف‌سازی مسائل مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای گذشته که بیش از ۲۰ سال پیش انجام شده بود، تحت فشار قرار داده بود و گزارشی از سوی مدیر کل و یک قطعنامه صادر کرده بود که ایران را به عدم پایبندی متهم می‌کرد؛ با این‌که هیچ نشانه‌ای مبنی بر انحراف فعالیت‌های هسته‌ای فعلی به سمت اهداف نظامی وجود نداشت. با مشروعیت بخشیدن به نگرانی‌های اسرائیل و ایالات متحده، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از حملات این دو کشور به ایران، نتیجه معکوسی گرفت: اکنون این آژانس قابلیت‌های راستی‌آزمایی خود را در ایران کاملاً از دست داده و مجبور به خروج بازرسان خود شده است؛ بدون هیچ اطلاعاتی درباره این‌که ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده با خلوص زیاد کجاست و در وضعیت کنونی چه تعداد سانتریفیوژ می‌تواند کار کند و همچنین تأسیسات جدید ایران که تهران قصد اعلام آن را داشت، در کجا قرار دارد.

تقریباً ۳۰ ژنرال سپاه در روزهای اول تجاوز اسرائیل جان خود را از دست دادند. با این حال، این ساختار در حال فعالیت است. هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که ارتش از اجرای دستورات خودداری کرده باشد، و -با وجود کنترل تقریباً کامل اسرائیل بر آسمان ایران- ایران ظرفیت موشکی برای ادامه حملات متقابل را داشت. خسارت وارده به طرف اسرائیلی آشکار بود و دولت یا جامعه اسرائیل نمی‌توانست آن را نادیده بگیرد. اگر کسی به خیابان‌ها آمد، فقط برای اعتراض به حملات اسرائیل و ایالات متحده پیش از ششمین دور مذاکرات هسته‌ای بود. گزارش شده است که حدود ۹۵۰ نفر، که اکثر آنها غیرنظامی هستند، در این حملات کشته شده‌اند. منتقدان برجسته دولت در ایران با همان خطر جانی که قوی‌ترین حامیان با آن مواجه بودند، روبه‌رو شدند، که باعث شد به عنوان میهن‌پرست با یکدیگر متحد شوند و اختلافات سیاسی را کنار بگذارند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، اسرائیل به هیچ یک از اهداف فرضی عملیات نظامی خود دست نیافت. این موضوع منجر به دو نتیجه می‌شود: یکی مثبت و دیگری منفی. اول: قابلیت بقا و انعطاف‌پذیری ایران بسیار قوی‌تر از آن چیزی است که توسط طرف مهاجم ارزیابی شده بود. دوم: هنگامی که اسرائیل به زور متوسل شده و نتیجه ملموسی نگرفته است، مصمم‌تر خواهد شد تا اقدامات فعال خود را از طریق خرابکاری‌های محدود، خصوصت‌هایی در مقیاس بزرگ‌تر و ناآرامی‌های اجتماعی از سر بگیرد تا برنامه هسته‌ای ایران را نابود و دولت این کشور را بی‌ثبات کند.

ناد علی

مؤسسه خاورمیانه (MEI)



درباره او

ناد علی دستیار پژوهشی دکتر ماروین واینباوم، مدیر بخش مطالعات پاکستان و افغانستان در مؤسسه خاورمیانه است. او بیش از پنج سال در سازمان‌های بین‌المللی و اندیشکده‌ها به عنوان پژوهشگر سیاسی، مشاور سیاسی، استراتژیست صلح، و فعال حقوق بشر فعالیت داشته است. حوزه‌های تخصصی او شامل امنیت انسانی و ملی، دموکراسی‌سازی، حل و فصل منازعات، و فرهنگ سیاسی می‌شود. ناعد علی دارای کارشناسی ارشد در روابط بین‌الملل با تمرکز بر حاکمیت جهانی و نظریه اجتماعی از دانشگاه برمن آلمان است و گواهی آموزش دیپلماتیک چندجانبه از دفتر سازمان ملل در ژنو نیز دارد.

جنگ ایران و اسرائیل آزمونی جدی برای محاسبات راهبردی، معماری بازدارندگی، و آمادگی عملیاتی نیروهای مسلح ایران بود که هم نقاط قوت و هم نقاط ضعف این کشور را آشکار کرد.

برای ارزیابی عملکرد نظامی ایران در این درگیری، باید اهداف عملیات «وعده صادق ۳» ایران را با عملیات «شیر خروشان» اسرائیل مقایسه کرد. حمله غافلگیرانه اسرائیل، آسیب‌پذیری‌های کلیدی در توان عملیاتی نظامی ایران را نمایان ساخت. در جنگ چندلایه متعارف، اسرائیل برتری هوایی و مزیت میدانی را به نمایش گذاشت؛ نه تنها با نفوذ به حریم هوایی ایران، بلکه با موفقیت در ترور فرماندهان ارشد در داخل کشور. این امر نشان‌دهنده شکست اطلاعاتی ایران در مقابله با نفوذ شبکه جاسوسی اسرائیل درون کشور، و همچنین ناتوانی نیروی هوایی ایران در دفاع از حریم هوایی خود بود. با این حال، توانایی ایران در پرکردن سریع خلأ فرماندهی و فعال‌سازی فوری سازوکار پاسخ، نقطه قوتی قابل توجه است. از منظر نظامی، حملات تلافی جویانه ایران موفق شد افسانه نفوذناپذیری «گنبد آهنین» اسرائیل را به چالش بکشد و تأسیسات مهمی را هدف قرار دهد. با این حال، فقدان هواپیماهای جنگنده، ضعف‌های ساختاری نیروی هوایی ایران را برجسته و این تصور را تقویت کرد که ایران آمادگی لازم برای دفاع هوایی مستقیم را ندارد.

در سطح راهبردی، ایران مدت‌ها با استفاده از «ابهام راهبردی» به عنوان رویکردی دوجانبه، بازدارندگی خود را حفظ کرده است؛ یعنی هم‌زمان با حمایت از محور مقاومت، درگیر دیپلماسی منطقه‌ای نیز بوده است. این رویکرد دوگانه، ابزارهایی برای فشار و غیرقابل پیش‌بینی بودن در اختیار تهران قرار داده است. حمایت از محور مقاومت برای ایران یک ضرورت راهبردی در راستای دفاع پیش‌دستانه و بازدارندگی منطقه‌ای بوده است؛ در حالی که دیپلماسی منطقه‌ای یک انتخاب راهبردی به حساب می‌آمد. اما تجاوز اخیر اسرائیل این ابهام را مختل کرده است. اکنون ایران در موقعیتی قرار گرفته که مقابله با اسرائیل، هم یک «ضرورت» راهبردی و هم یک «انتخاب» است، و همین امر توان تهران را برای پیگیری هم‌زمان مسیر نزدیکی با ایالات متحده، کاهش داده است. پیش از آغاز این درگیری، گزارش‌هایی حاکی از نزدیک بودن توافق میان ایران و آمریکا وجود داشت؛ اما اقدامات اسرائیل عملاً این تلاش‌ها را تخریب و خود را به عنوان بازیگر اصلی در تعیین چارچوب مذاکرات احتمالی آینده میان تهران و واشنگتن مطرح کرده است. با توجه به آن‌که رئیس‌جمهور ایران اخیراً اعلام کرده تهران غنی‌سازی اورانیوم را متوقف نخواهد کرد و برای هرگونه جنگ احتمالی از سوی اسرائیل آماده است، اظهارات پیشین نتانیاهو به ترامپ مبنی بر اقدام نظامی در صورت ازسرگیری فعالیت هسته‌ای ایران، بار دیگر اهمیت یافته است.

اگر آتش‌بس فروپاشد، محیط راهبردی ایران بسیار پیچیده‌تر خواهد شد. راهبرد فعلی ایالات متحده و اسرائیل، بیش از آن‌که به دنبال تغییر رژیم باشد، بر تحمیل تغییر رفتار از طریق زور و ویرانی متمرکز است.

کشورهایی مانند پاکستان در تلاش برای میانجی‌گری و پیشبرد دیپلماسی هستند. این موضوع را می‌توان در دیدار خصوصی اخیر بین فرمانده ارتش پاکستان، فیلد مارشال عاصم منیر، و رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، و نیز سفر آتی رئیس‌جمهور ایران به پاکستان در تاریخ ۲۶ ژوئیه مشاهده کرد.

در همین حال، وزیر امور خارجه پاکستان، اسحاق دار، نیز در ایالات متحده به سر می‌برد تا با وزیر خارجه آمریکا، مارکو روبیو، گفت‌وگو کند. با مشارکت مستقیم ایالات متحده در درگیری، این کشور عملاً بی‌طرفی خود را به عنوان میانجی میان ایران و اسرائیل از دست داده است. اگر اسرائیل عملیات «شیر خروشان ۲» را آغاز کند، ایالات متحده احتمالاً دوباره به طور نظامی وارد میدان خواهد شد. فاز جدید درگیری، منطقه را بیش از پیش بی‌ثبات خواهد کرد و پیامدهای سنگینی برای کشورهای همسایه خواهد داشت.

مجاهد ابوالهیل

رئیس شبکه رسانه‌ای عراق



درباره او

مجاهد ابوالهیل از چهره‌های برجسته علمی و فرهنگی عراق است. او دارای مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه بغداد و دکترای علوم سیاسی با تمرکز بر دولت و احزاب در عراق از دانشگاه لبنان است. همچنین، مدرک معادل کارشناسی ارشد در فلسفه و علوم اسلامی از دانشگاه بین‌المللی المصطفی نیز دارد.

او در طول حرفه‌اش سمت‌های مهمی چون سردبیری مجله شبکه رسانه‌ای عراق، معاونت رادیو عراق و ریاست اداره سازمان‌های صوتی و تصویری در هیئت رسانه و ارتباطات عراق را بر عهده داشته است.

فراتر از فعالیت‌های آکادمیک و اجرایی، ابوالهیل نقش مهمی در ارتقای ادبیات و رسانه عراق ایفا کرده است؛ از جمله ابتکار جایزه نخل خرما برای خلاقیت، راه‌اندازی شبکه بین‌المللی IMN و تأسیس اداره رسانه‌های دیجیتال درون شبکه.

نخست؛ ارزیابی عملکرد دو طرف (ایران و اسرائیل) در درگیری اخیر

۱. ایران:
 - جمهوری اسلامی ایران برخلاف درگیری‌های پیشین، اتکای زیادی به نیروهای نیابتی مانند حزب الله، حماس یا گروه‌های عراقی و یمنی نداشت؛ بلکه از توان موشکی و پهپادهای مستقیم خود علیه اسرائیل بهره گرفت؛ اقدامی که محاسبات دشمن را بر هم زد و به پایان دادن تجاوزات در منطقه انجامید.
 - ایران توانایی هماهنگ‌سازی حملات در جبهه‌های مختلف را به نمایش گذاشت؛ اما این اقدامات با محاسبه و دقت انجام شد تا از ورود به جنگی تمام‌عیار جلوگیری شود.
 - با وجود خسارتی که به دلیل حملات دقیق اسرائیل، به زیرساخت‌های نظامی و برخی اهداف دیگر وارد شد، ایران عقب‌نشینی نکرد.
 - تهران به طور مؤثری موفق شد تصویر «بازدارندگی منطقه‌ای» را نزد افکار عمومی داخلی تثبیت کند.

۲. رژیم صهیونیستی در اسرائیل:
 - این رژیم از تمامی توان هوایی و اطلاعاتی خود بهره گرفت و ضربات هدفمندی را علیه شخصیت‌های برجسته و رهبران رده‌اول وارد کرد (چه در لبنان، چه در غزه یا ایران)؛ تا از طریق پوشش رسانه‌ای، پیروزی‌هایی ادعایی کسب کند.
 - اسرائیل با بهره‌گیری از سامانه‌های دفاع هوایی پیشرفته مانند گنبد آهنین و فلاخن داوود، توانست درصد قابل توجهی از موشک‌ها و پهپادها را رهگیری کند؛ با این حال، متحمل خسارات اقتصادی و نظامی سنگینی شد.
 - دولت اسرائیل در مواجهه با فشارهای داخلی سیاسی و اقتصادی و همچنین فشارهای بین‌المللی برای توقف تنش‌ها، با چالش جدی روبه‌رو شد. افزون بر آن، ایده جذب یهودیان به اسرائیل عملاً فروپاشید؛ چرا که پس از حملات پهپادی و موشکی ایران، این سرزمین دیگر امن تلقی نمی‌شود.
 - اسرائیل نتوانست توانمندی خود در حمله به عمق خاک ایران را به نمایش بگذارد و به همین دلیل به کمک رئیس‌جمهور وقت آمریکا، دونالد ترامپ، برای حمله به اهداف استراتژیک مانند اصفهان، نطنز و فردو متوسل شد؛ اما از گسترش جنگ مستقیم با ایران پرهیز کرد.

دوم؛ مسیر احتمالی برای آتش‌بس

- آتش‌بسی شکننده و موقت محتمل است؛ با میانجی‌گری بین‌المللی (مانند سازمان ملل یا بازیگران منطقه‌ای چون قطر یا ترکیه)، همراه با تفاهم‌هایی پیرامون پرونده‌های مهم.
- کاهش تنش دوسویه: ممکن است اسرائیل حملات بیرون از مرزهایش را کاهش دهد، و ایران نیز کنترل بیشتری بر گروه‌های مسلح هم‌پیمان خود اعمال کند.
- احتمال دارد اسرائیل ارائه بسته‌هایی از کمک‌های بشردوستانه یا تسهیلات به غزه و لبنان را بپذیرد؛ باهدف کاهش فشار افکار عمومی.

با وجود این اقدامات، تنش‌ها همچنان پابرجا خواهد بود؛ زیرا ریشه‌های بحران (از جمله پرونده هسته‌ای ایران، حضور ایران در سوریه، و موضوع حزب الله و حماس) برطرف نشده‌اند. بنابراین، الگوی «جنگ‌های کوتاه و محدود» ادامه خواهد یافت و از ورود به جنگی تمام‌عیار جلوگیری می‌شود.

احتمال ازسرگیری تلاش‌ها برای میانجی‌گری در برنامه هسته‌ای ایران وجود دارد؛ اما تا زمانی که دو طرف امتیازات معناداری ندهند، موفقیت این مذاکرات بسیار محدود خواهد بود.

پاوان چوراسیا

بنیاد هند (India Foundation)



درباره او

پاوان چوراسیا پژوهشگر ارشد در بنیاد هند (India Foundation) در دهلی نو است. او مدرک کارشناسی علوم سیاسی خود را از دانشگاه دهلی، و کارشناسی ارشد پژوهشی خود را در رشته روابط بین الملل از دانشگاه جواهر لعل نهرو دریافت کرده است. پژوهش دکترای او در مرکز مطالعات غرب آسیا (CWAS) در مدرسه مطالعات بین الملل JNU بر موضوعاتی چون دموکراتیزاسیون، حقوق بشر، و آزادی بیان در ترکیه متمرکز بود. تخصص های او شامل روابط بین الملل، سیاست خارجی هند، ژئوپلیتیک غرب آسیا، امنیت انرژی، حقوق اساسی هند، سیاست گذاری عمومی، و اندیشه سیاسی هند است.

چوراسیا به عنوان استاد مدعو علوم سیاسی در دانشگاه دهلی فعالیت دارد و سخنران و داور ثابت رویدادهای دانشگاهی است. تحلیل های او در رسانه هایی چون ایندین اکسپرس، فایننشال اکسپرس، کویننت، دینک جاگرن، ای بی پی نیوز و سواراجیا منتشر می شود و منابع بین المللی ای چون ساوت چاپینا مورنینگ پست و ویون نیز از دیدگاه های او بهره برداری کرده اند.

درگیری نظامی اخیر با اسرائیل ناگهانی نبود و شکل گیری آن به مدت ها پیش بازمی گشت.

به زبان ساده، اسرائیل از نظر توان نظامی در سطحی بی سابقه از ایران پیشی گرفت و این درگیری ۱۲ روزه، ضعف های عمده ای را در توان نظامی ایران آشکار کرد. سامانه های پدافند هوایی ایران از جمله سامانه های S-۳۰۰ ساخت روسیه، در برابر حملات دقیق اسرائیل و آمریکا عمدتاً ناکارآمد ظاهر شدند که به تخریب شدید تأسیسات هسته ای، زیرساخت های نظامی و کشته شدن فرماندهان ایرانی انجامید.

از سوی دیگر، حملات تلافی جویانه موشکی و پهپادی ایران خسارات محدودی به اسرائیل وارد کرد و تنها ۲۸ تلفات غیرنظامی بر جای گذاشت که نشان می دهد موشک های بالستیک ایران نتوانستند از سامانه های دفاعی قدرتمند اسرائیل عبور کنند.

فروپاشی شبکه ضد جاسوسی ایران و ضعف عملکرد گروه های نیابتی اش مانند حماس، حزب الله و متحدان سوری نیز آسیب پذیری های استراتژیک تهران را نمایان کرد.

با این حال، باید این تحلیل را در چارچوب واقعیت های اقتصادی ایران درک کرد. دهه ها تحریم، توان اقتصادی و نظامی ایران را به شدت تحلیل برده است. این کشور نتوانسته جنگنده های مدرن یا فناوری های پیشرفته خریداری کند که در برابر دشمنان منطقه ای برایش مزیتی به همراه آورد. بنابراین، نیروی هوایی ایران اساساً توان مقابله با فناوری دفاعی پیشرفته اسرائیل را نداشت. با این وجود، تمرکز چندساله بر توسعه موشک های بالستیک، برای ایران سودآور بود و حملات مستمر موشکی اش تا حدی اسرائیل را متحمل هزینه کرد.

واقعیت این است که آتش بس فعلی با اسرائیل دوام زیادی نخواهد داشت؛ چرا که نه اسرائیل و نه آمریکا اطمینان نیافته اند که توان هسته ای ایران به طور کامل نابود شده است؛ هرچند رئیس جمهور ترامپ در رسانه ها چنین وانمود می کند.

حمله آمریکا به ایران معادلات منطقه ای غرب آسیا را تغییر داده است. با وجود انتقاد برخی کشورهای منطقه از حمله به ایران، جهت گیری آن ها به سوی آمریکا (و در نتیجه اسرائیل) تغییر چشمگیری نخواهد کرد. در واقع، قدرت هایی مانند عربستان سعودی و ترکیه خواهان تضعیف ایران اند؛ چرا که چنین وضعی باعث تقویت قدرت [محور] سنی در سطح منطقه ای و جهانی می شود.

در حال حاضر، متحدان اصلی ایران مانند سوریه و روسیه ضعیف شده اند و گروه های نیابتی آن مانند حزب الله و حوثی ها نیز شانس در برابر قدرت نظامی آمریکا و اسرائیل ندارند. چین، یکی دیگر از متحدان ایران، به روال معمول سیاست محتاطانه اش ادامه می دهد.

به طور خلاصه، اگر موج بعدی حملات آغاز شود، ایران باید روی پای خود بایستد. این کشور سال گذشته متحد منطقه ای اش، سوریه، را از دست داد و در بحران های اخیر هیچ کشوری آشکارا در کنار آن نایستاده است. حاکمیت ایران اکنون باید هم برای دفاع از کشور متحدان تازه ای بیابد و هم مردم خود را متقاعد کند که همچنان قادر به دفاع از خود است؛ تنها و مستقل.



اندیشکده
حکمرانی
شریف